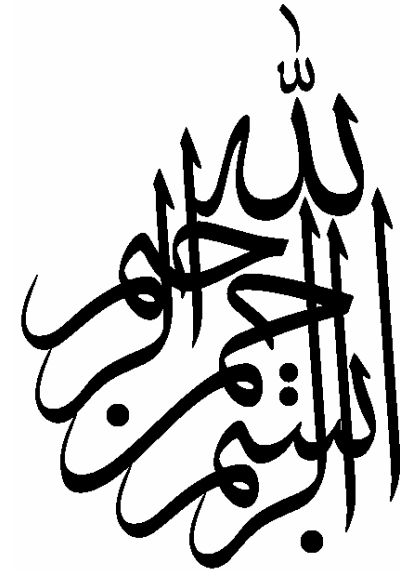


رسالہ

# سور و شعور

آئیپ شناسی میث نامی مذہبی



## تقدیم به

حضرت ام ایما؛

صدیقه آل طه؛

فاطمه زهرا سلام الله علیها

به نیابت از همه کسانی که بایمان و بنان خویش و با

ایشان جهان و شمار دال خود، در احیای امر امامت و

ولایت کوشیدند و بار بار با مکتب حیات بخش اهل

بیت پیامبر صلوات الله علیهم آشنا نمودند.

شناسنامه

نام کتاب: رساله‌ی شور و شعور

تدوین: جعفر صالحان (واحد فرهنگی پژوهشی هیئت ره-  
پویان آل طه)

نوبت چاپ: اول / پائیز ۱۳۸۸

چاپ و صحافی: آرین

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

ناشر: زمان

صفحه آرایه: احمد نوری

طراح جلد: نعمت الله نوری

شابک:

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ می‌باشد.

رساله‌ی

شور و شعور

آسیب شناسی هیئت‌های مذهبی

۱۰- تعبیرات غلوآمیز.....	۳۵
۱۱- خرافات.....	۳۶
۱۲- ناآشنایی با فقه هیئت داری.....	۳۸
۱۳- ترویج عرفان های کاذب.....	۳۹
۱۴- بی توجهی به جنبه های حماسی.....	۴۱
۱۵- بی توجهی یا کم توجهی به حقوق ناس.....	۴۲
۱۶- نپرداختن به همه ی ابعاد دین.....	۴۳
۱۷- بی توجهی به نماز اول وقت.....	۴۴
۱۸- غفلت از مصالح جهان اسلام.....	۴۵
۱۹- رقابت های ناسالم.....	۴۶
۲۰- توهم موفقیت.....	۴۷
بهترین هیئت.....	۴۸
هشدار.....	۴۹
آثار و برکات هیئت های مذهبی و مجالس عزاداری.....	۵۱
نمونه هایی از آثار و برکات هیئت ها و مجالس مذهبی.....	۵۳
بایدهای مجالس عزاداری در کلام رهبری.....	۵۸
تأکید امام خمینی بر عزاداری سنتی.....	۶۶
نکته ی پایانی.....	۶۷
کتابنامه.....	۷۰

## فهرست

سخن آغازین.....	۷
اعترافات دشمنان به ضدیت با هیئت ها و مجالس مذهبی.....	۱۱
آسیب ها و نبایدها.....	۱۴
۱- حذف یا تضعیف عنصر معرفت.....	۱۵
۲- ورود به امور تخصصی.....	۱۸
۳- عادت و بی توجهی به بایدها و نبایدها.....	۱۹
۴- ناتوانی و ضعف دانش و بینش مجریان.....	۲۲
۵- سنت سازی های غلط و مخالف با روح دین.....	۲۴
الف- قمه زنی.....	۲۵
ب- حمل علم.....	۲۷
ج- ترویج و نصب شمائل.....	۳۰
۶- بی اعتنایی به شأن جلسات.....	۳۱
۷- به کارگیری موسیقی های نامناسب.....	۳۲
۸- روضه های ساختگی.....	۳۳
۹- زبان حال گوینده و سراینده.....	۳۴

مجالس مذهبی بوده است که نهضت حسینی و فرهنگ عاشورا، سینه به سینه، خانه به خانه، نسل به نسل و خاک به خاک منتقل شده و گستره‌ی آن به حدی بوده است که پیر و جوان، مرد و زن، کودک و بزرگ، عالم و عامی، استاد و شاگرد، حوزوی و دانشگاهی، فقیر و غنی، کارمند و بازاری، رئیس و مرئوس و غیره را مجذوب خود کرده و بر گرد بیرق حیات بخش و علم و وحدت بخش عزای حسینی جمع نموده و مستحکم‌ترین تشکل‌های مردمی و پایگاه‌ها و سنگ‌های مقاومت را در برابر مهاجمان فرهنگی و نظامی مسلح به سلاح‌ها و روش‌های مدرن و پیچیده، پدید آورده است. حضرت امام خمینی «قدس سره» پرده از این حقیقت برداشته و می‌فرماید: «الآن هزار و چهارصد سال است که این منبرها، با این روضه‌ها و با این مصیبت‌ها و با این سینه‌زنی‌ها ما را حفظ کرده اند»<sup>۱</sup>.

هیئت‌ها و مجالس مذهبی سرمایه‌ها و نعمت‌ها و ظرفیت‌های عظیم و منحصر به فردی هستند که نصیب محبین اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» شده است، به گونه‌ای که مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای «مدظله» این امتیاز ویژه را متذکر شده و می‌فرماید: «ما مسلمان‌ها و به

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سخن آغازین

بر احدی پوشیده نیست که وجود هیئت‌ها و مجالس مذهبی یکی از قوی‌ترین و کارآمدترین عوامل حیات دین و مکتب اهل بیت «علیهم السلام» در طول تاریخ بوده و نقش بسیار مهمی را در حفظ و حراست و گسترش مکتب تشیع و نشر معارف اهل بیت «صلوات الله علیهم» ایفا کرده و می‌کنند، به گونه‌ای که در دل خود از هر قشر و صنف و نژادی را جای داده و کارآمدترین پایگاه روشنگری عالمان دینی و خاستگاه فکری و معنوی اندیشمندان و مبارزین و انقلابیون و جوانان حق‌جو و خداجو بوده است؛ تا جایی که خیمه‌های عزا و پرچم‌های سرخ و سیاه، نمادی شدند برای عدالت‌خواهی و دفاع از مظلوم و مقابله با ظلم و جور حاکمان جبار و زورگو؛ و در پرتو وجود همین هیئات و

خصوصاً ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملیت‌ها و ادیان، این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از این اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره‌به‌چهره، نفس‌به‌نفس تشکیل می‌شود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر می‌شود پیدا کرد، هست نه به این قوت، نه به این وسعت، نه به این تأثیرگذاری و محتواهای راقی<sup>۱</sup>. و بر همین اساس است که حضرت آیه‌الله مصباح «دامت برکاته» سهل‌ترین راه کار دفاعی در برابر تهاجم فرهنگی را احیای هیئت‌ها و جلسات مذهبی دانسته و می‌فرماید: «ساده‌ترین و واجب‌ترین کاری که از عهده هیچ کس ساقط نمی‌شود، خواه پیر باشد یا جوان، مرد باشد یا زن، احیای جلسات مذهبی است [و] هر جلسه‌ی مذهبی که بینش ما را نسبت به اسلام و ارزش‌های آن اندکی بالاتر ببرد، یا دست کم در همین حدی که هست نگه می‌دارد، واجب است در آن شرکت جوییم<sup>۲</sup>».

و باید توجه داشت که حضور در هیئت‌ها و مجالس مذهبی نقش بسیار مهمی را در شکوفایی عقل و خرد

۱ - بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۴.

۲ - تهاجم فرهنگی؛ ص ۱۷۳

جمعی دارد، به گونه‌ای که حضرت آیه‌الله جوادی آملی «دامت برکاته» می‌فرماید: «باید مسجد و حسینیه رونق داشته باشد و مردم در آن گرد هم آیند تا با تضارب اندیشه‌ها و تبیین حقایق و آموزه‌های دین، خرد جمعی بارور شود. تنهایی اندیشیدن، نماز را فرادا اقامه کردن و تنهایی بر مصیبت خاندان پیامبر گریستن گرچه ثواب دارد و نیکوست، ولی برای شکوفایی عقل جمعی کافی نیست. سفارش‌هایی که درباره‌ی شرکت در برنامه‌های گروهی مانند حضور در مسجد و نمازهای جمعه و جماعت و کنگره‌ی بین‌المللی حج شده است، همگی برای شکوفایی خرد جامعه است. بدون رشد علمی جامعه، اقتدار ملی به دست نمی‌آید، زیرا ملت خردمند، آزادانه می‌اندیشد و آزاده وار زندگی می‌کند<sup>۱</sup>».

حال اگر فریاد عالمان آگاه دینی نسبت به آسیب‌های مجالس مذهبی و عزاداری‌ها بلند است، برای آن است که برنامه و نقشه و دست‌دشمن را برای آسیب‌رسانی به این گوهر نابی که باید با همه وجود از آن محافظت کرد و نسل به نسل و به دور از آفات، آن را منتقل نمود، می‌بینند.

۱ - شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی؛ ص ۲۴۶

### اعترافات دشمنان به ضدیت با هیئت‌ها و مجالس مذهبی

یکی از مقامات ارشد سازمان سیا به نام دکتر «مایک برانت» در کتابی به نام «نقشه‌ای برای جدایی مکتب الهی» که اخیراً در امریکا منتشر شده، پرده از طرح توطئه بزرگ و بلند مدت سازمان اطلاعاتی سیا و سرویس اطلاعات انگلیس علیه مذهب تشیع برداشته و می‌گوید: «ما برنامه‌ریزهای گسترده‌ای را برای سیاست‌های بلندمدت خود طرح کردیم: تبلیغات گسترده علیه مراجع دینی به منظور زوال مقبولیت آنها در میان مردم؛ حمایت از سخنرانان و مداحان سودجو و شهرت طلب و معرفی شیعه به عنوان یک مسلک خرافی و در نهایت، زدن تیر خلاص به این مذهب از جمله برنامه‌های ما در این عرصه است». سپس می‌گوید: «یکی از مواردی که باید روی آن کار می‌کردیم موضوع فرهنگ عاشورا و شهادت طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی این فرهنگ را زنده نگاه می‌دارند. ما تصمیم گرفتیم با حمایت مالی از برخی سخنرانان و مداحان و برگزارکنندگان اصلی این گونه مراسم که افرادی سودجو و شهرت طلب هستند، عقاید و بنیان‌های شیعه و فرهنگ

شهادت طلبی را سست و متزلزل کنیم و مسائل انحرافی در آن به وجود آوریم<sup>۱</sup>».

دولت استعمارگر انگلیس پس از مطالعه و تحقیق و پژوهش دقیق جهت به دست آوردن راه کارهای مؤثر برای ضربه زدن به اقتدار و توانمندی اسلام، خصوصاً مذهب تشیع، به این نتیجه می‌رسد که آنچه سبب اقتدار مسلمین به ویژه شیعیان شده است عبارت است از: وحدت شیعه و سنی؛ دوری از تعصبات قومی و نژادی؛ دلبستگی و علاقه به عالمان دین بر بنیان عقیده و ایمان؛ برپا داشتن مراسم عزاداری امام حسین «علیه السلام»؛ تشکیل اجتماعات و ایراد خطابه و تأثیرات انکارناپذیر آنها بر رفتار مردم<sup>۲</sup>».

و بر همین اساس برای مقابله با عوامل اقتدار مسلمانان دستورالعمل‌های ذیل را به جاسوسان خود صادر می‌نماید:

۱- باید به اختلافات مذهبی با ایجاد حس بدگمانی و سوءظن در میان مسلمین شیعه و سنی و نگارش مطالبی اهانت آمیز و تهمت برانگیز از سوی هر گروه نسبت به گروه دیگر دامن زده شود.

۲- بر هم زدن رابطه دوستی آمیخته با احترام بین عالمان

۱ - نشریه‌ی پرتوی سخن؛ شماره ۲۴۳؛ روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۳۸۸

۲ - خاطرات همفر، جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی؛ ص ۷۵-۷۳

دین و مردم وظیفه‌ای است که هیچ مأمور انگلیسی نباید فراموش کند و در این راه باید نخست به دو کار عمده پرداخت:

الف: بر چسب زدن و تهمت وارد ساختن به علما و مراجع.

ب: وارد ساختن بعضی از عالم نمایان وابسته به وزارت مستعمرات، در سلک علمای دین.

۳- مراکز عزاداری امام حسین «علیه السلام» یا تکایا باید نابود شوند و به ویرانه‌هایی مبدل گردند. باید با تمام وسایل بکوشیم تا مردم از رفتن به تکایا و عزاداری برای امام حسین خودداری کنند و تدریجاً این گونه کارها متروک گردد.<sup>۱</sup>

این‌ها نمونه‌هایی از هزاران طرح و برنامه‌ی مستمر دشمن برای آسیب‌رسانی به هیئات و مجالس مذهبی می‌باشد. و به راستی آیا این اعترافات، حجت را بر همه‌ی دلسوزان مکتب حیات بخش و انسان ساز و عزت آفرین تشیع تمام نکرده و نمی‌کند؟! تردیدی نیست که وظیفه‌ی همه محبین خاندان رسالت «صلوات الله علیهم» است که به

دور از تعصباتی که منشأ آن جهل است، با عقلانیت و تبعیت از مراجع و عالمان آگاه دینی، هیئت‌ها و مجالس مذهبی را که اماناتی الهی هستند، از آفات و آسیب‌ها حفظ و حراست کرده و امانت‌داران امینی باشند.

### آسیب‌ها و نبایدها

محافل و مجالس مذهبی چشمه‌های زلال جوشانی هستند که باید از آن‌ها به شدت مراقبت و محافظت شود تا آفت و آسیبی نبینند و به درستی بتوانند رسالت خود را انجام داده و تشنگان حقیقت را از اقیانوس کران ناپیدای معارف اهل بیت سیراب نمایند و بر شیعیان و محبین امام علی «علیه السلام» لازم است که این هشدار سازنده و راه‌گشای حضرتش که «لکلّ شیء آفة»؛ (برای هر چیزی آفتی است) را جدی گرفته و غفلت و کوتاهی نکنند، چرا که غفلت از این هشدار حضرت می‌تواند آفت یا آفاتی را متوجه هر چیز سازنده و ارزشمندی کند، تا جایی که نه تنها سازندگی آن امر ارزشمند را با مانع روبرو سازد، بلکه از نتیجه و هدف دور کرده و به چیز مخرب و مضری تبدیل



نماید و برای انجام این رسالت الهی و انسانی گام اول آن است که آسیب‌ها و نبایدهایی که مولود جهل و جمود و تسامح و قصور و غفلت است و مجالس‌مان را به بیراهه می‌کشاند بشناسیم و سپس با صبر و استقامت و حوصله و شجاعت، جلسات عزاداری و هیئت‌های مذهبی‌مان را نسبت به چنین آفاتی رفع و دفع نماییم که در این نوشتار به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

### ۱- حذف یا تضعیف عنصر معرفت

در سفارشات حضرات معصومین «صلوات الله علیهم» شناخت و معرفت جایگاه ویژه‌ای دارد، تا جایی که مکرر سفارش فرموده اند که بکوشید حتی زیارتتان نیز همراه با معرفت باشد: «عارفاً بحقه<sup>۱</sup>» و سرّ این توصیه آن است که آنچه مایه‌ی کمال زیارت و عرض ادب به ساحت مقدس آن بزرگواران می‌گردد، معرفت و شناخت مقام و منزلت و موقعیت آنان است و هر چه معرفت بیشتر باشد، زمینه‌ی اطاعت و تسلیم در برابر اوامر و نواهی آن انوار الهی بیشتر خواهد بود و با کمال تأسف، از آسیب‌ها و آفاتی که کم و

۱- بحار الانوار؛ ج ۹۹ ص ۴۱ و ج ۹۸ ص ۷۶؛ کامل الزیارات؛ ص ۳۰۶.

بیش در مجالس و هیئت‌های مذهبی مشاهده می‌گردد، حذف یا تضعیف عنصر معرفت و شناخت و آگاهی است که در درازمدت می‌تواند آثار مخرب و غیرقابل جبرانی را به دنبال داشته باشد.

ما باید به عزاداری‌ها و سوگواری‌ها که امری لازم و ضروری است، به عنوان یک وسیله‌ی خوب و مؤثر و کارآمد و لازم نگاه کنیم نه به عنوان یک هدف، و در کنار توجه به بُعد عاطفی مصائب اهل بیت خصوصاً حضرت سیدالشهداء «علیهم السلام» روز به روز بر محتوا و غنای مجالس‌مان بیفزاییم که اگر این دو در کنار هم باشند فرد و جامعه و مکتب را از تمامی آسیب‌های فکری و معنوی و تهاجمات فرهنگی و نظامی حفظ خواهند کرد و جامعه و فرد را از درون و برون متحوّل ساخته و به سعادت دنیا و آخرت می‌رسانند؛ چنانچه خود اولیای دین «صلوات الله علیهم» هر دو را با هم داشتند؛ هم در عزای جد مظلوم‌شان بی‌صبرانه می‌سوختند و می‌گریستند و هم معارف دینی و طریق بندگی را در قالب خطبه‌ها و نامه‌ها و مواعظ و ادعیه و مناجات‌ها و پرسش و پاسخ‌ها و کلمات حکمت آمیز و غیره، نشر می‌دادند که نمونه‌ی بارز آن حضرت امام زین‌العابدین «علیه السلام» است، و ما باید در همه امورمان به آن بزرگواران اقتدا کنیم که الگویی بهتر از آنان در

جهان هستی یافت نمی‌شود.

استاد شهید شیعه، حضرت آیه الله مطهری «ره» می‌فرماید: «هر مکتبی اگر چاشنی ای از عاطفه نداشته باشد و صرفاً مکتب و فلسفه و فکر باشد، آنقدرها در روح‌ها نفوذ ندارد و شانس بقا ندارد. ولی اگر یک مکتب، چاشنی‌ای از عاطفه داشته باشد، این عاطفه به آن حرارت می‌دهد. معنا و فلسفه‌ی یک مکتب، آن مکتب را روشن می‌کند؛ به آن مکتب منطقی می‌دهد؛ آن مکتب را منطقی می‌کند. بدون شک مکتب امام حسین «علیه السلام» منطقی و فلسفه دارد؛ درس است و باید آموخت. اما اگر ما دائماً این مکتب را صرفاً به صورت یک مکتب فکری بازگو بکنیم، حرارت و جوشش گرفته می‌شود و اساساً کهنه می‌گردد!». این نظریه، کامل‌ترین دیدگاه می‌باشد؛ زیرا از یک سو می‌توان با علم و شناخت و معرفت، با ظرایف و دقایق و ابعاد مختلف مکتب تشیع و اهداف اولیای عظیم الشان آن خصوصاً ماهیت قیام حسینی «صلوات الله علیهم» آشنا شد و از سوی دیگر می‌توان آگاهانه از طریق عاطفه با حضرات معصومین «علیهم السلام» و قهرمانان نهضت عاشورا، پیوند و رابطه‌ی عمیق برقرار نمود.

## ۲- ورود به امور تخصصی

از آسیب‌های جدی که با کمال تأسف در هیئت‌ها و مجالس مذهبی رسوخ کرده است، وارد شدن بعضی از مداحان و مرثیه‌سرایان و ادیبان و شاعران و هنرمندان و مجریان هیئات در اموری است که در حوزه‌ی تخصصی مراجع و عالمان و اندیشمندان دینی می‌باشد و با بی‌اعتنایی به نظر علمای دین به راحتی اظهار نظر کرده و برای مستمعین، تکلیف و وظیفه‌ی شرعی تعیین می‌کنند و همخوانی و همراهی آنان با عالمان و اندیشمندان دینی تا جایی است که با مطامع و سلیقه‌هایشان سازگار باشد و این آفت در بعضی از مجالس مذهبی به حدی غلیظ شده است که عالمان دینی در حاشیه قرار گرفته‌اند و غیرمتخصصین به صرف داشتن یک صوت زیبا و یا بیان شیرین و یا ادبیات جذاب، حد خود را نشناخته و بر جایگاه عالمان دین نشسته و بدون داشتن تخصص، به تحلیل و تبیین و اظهار نظر نسبت به مسائل دینی پرداخته و بر کرسی حساس و دقیق و ظریف و عظم و موعظه‌تکیه زده و دستورالعمل‌هایی را صادر می‌کنند؛ و چون بهره‌ی علمی و معرفتی کافی را نبرده‌اند و تخصص لازم را در حوزه‌ی دین کسب نکرده‌اند،

ای بسا مستمعین و مریدان خود را به افراط‌ها و تفریط‌ها کشانده و خسارات دنیوی و اخروی و معنوی غیرقابل جبرانی را متوجه آنان و جامعه می‌کنند.

این‌گونه روش‌ها و منش‌ها و حرکت‌ها با فطرت و روح دین و تعالیم اولیای عظیم الشان آن «صلوات الله علیهم» ناسازگار می‌باشد؛ لذا نبی اکرم «صلی الله علیه و آله» فرمود: (هر کس علم را از اهلش فرا بگیرد و به آن عمل کند نجات یافته است)؛ «من اخذ العلم من اهل و عمل به نجی»<sup>۱</sup> و حضرت امام علی «علیه السلام» فرمود: «بدانید که همشینی با عالم و پیروی کردن از او یکی از آیین‌های دین است و اطاعت از عالم، سبب رسیدن به حسنات و زدوده شدن سیئات است و خود ذخیره ای است برای مؤمنان و مایه‌ی برتری زندگی آنان است».<sup>۲</sup>

### ۳- عادت و بی‌توجهی به بایدها و نبایدها

اگر انجام یک امری برای کسی صرفاً بر اساس عادت باشد، بی‌توجهی به بایدها و نبایدهای آن در او شکل

می‌گیرد. هیئت داری و عزاداری برای مجریان و شرکت کنندگان در آن اگر صرفاً بر اساس عادت بوده باشد، چنین افرادی در مقابل بایدها و نبایدها و لزوم رعایت مصالح، مقاومت کرده و حرف اول و آخرشان این است که: «ما از کودکی این‌گونه عادت کرده‌ایم». چنین حالتی نه تنها مانع رشد و حرکت چنین مجالسی می‌شود، بلکه ای بسا غفلت‌زا و تخدیرکننده بوده و خسارات جبران‌ناپذیری را متوجه شیعیان می‌کند؛ و آثار مهم و سازنده‌ای که چنین مجالسی باید داشته باشد از بین برده و صرفاً به عنوان یک رسم و عادت کم محتوا و کم اثر مطرح خواهد بود؛ در حالی که امام علی «علیه السلام» دست برداشتن و غلبه کردن بر عادت‌های غلط را بالاترین عبادت دانسته<sup>۱</sup> و از آن به عنوان فضیلت یاد کرده است<sup>۲</sup> و تا زمانی که انسان دست از عادات غلط بر ندارد، به بایدها و نبایدها تن نخواهد داد و بر اموری که موهن مذهب تشیع بوده و وهن آن آشکار و بدیهی می‌باشد، پافشاری خواهد نمود؛ چنانچه علامه‌ی شهید آیه الله مطهری (ره) می‌فرماید: «قبل از محرم از تمام رؤسای هیئت‌ها دعوت به عمل آمد و تمامشان در منزل

۱- کافی؛ ج ۱ ص ۳۹

۲- بحار الانوار؛ ج ۱ ص ۱۷۵؛ تحف العقول؛ ص ۱۹۹

۱- «أفضلُ العبادة غلبَةُ العادة»؛ «غررالحکم»؛ ص ۱۹۹، شماره‌ی ۳۹۴۷

۲- «الفضيلةُ غلبَةُ العادة»؛ «غررالحکم»؛ ص ۳۲۲، شماره‌ی ۷۴۷۶

آیه الله العظمی بروجردی «قدس سره» حضور پیدا کردند از آنها پرسیدند: شما مقلد چه کسی هستید؟ همگی گفتند: ما مقلد شما هستیم. فرمودند: اگر مقلد من هستید، فتوای من این است که فلان عمل حرام است. با کمال صراحت به آقا عرض کردند که آقا ما در تمام سال مقلد شما هستیم الا این سه چهار روز که ابدأ از شما تقلید نمی‌کنیم! گفتند و رفتند و به حرف مرجع تقلیدشان اعتنا نکردند. خوب، این نشان می‌دهد که هدف، امام حسین «علیه السلام» نیست؛ هدف، اسلام نیست<sup>۱</sup>.

حضرت علی «علیه السلام» از سرّ ضرورت تغییر عادات غلط پرده برداشته و می‌فرماید: «غَيِّرُوا الْعَادَاتِ تَسَهَّلَ عَلَيْكُمْ الطَّاعَاتِ»<sup>۲</sup>؛ (عادات را دگرگون کنید تا فرمانبرداری‌ها و طاعات الهی بر شما آسان گردد) و واضح است که طاعت چیزی جز تسلیم محض در برابر خواست پروردگار و بایدها و نبایدهای دین و شریعت و اولیای عظیم الشان آن نمی‌باشد.

البته باید توجه داشت که عادت به منزله‌ی طبیعت ثانوی

بوده که «العادة طبعٌ ثانٍ»<sup>۱</sup> و تغییر آن از دشوارترین کارها می‌باشد که «أصعبُ السياسات نقلُ العادات»<sup>۲</sup> لذا صبر و استقامت و شجاعت برای تغییر عادات غلط، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

#### ۴- ناتوانی و ضعف دانش و بینش مجریان

هیئات مذهبی و مجالس عزاداری را باید یکی از بهترین و قوی‌ترین و کارآمدترین مجموعه‌ها و کارخانه‌های انسان‌سازی بنامیم. اگر برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی و گردانندگان آن از دانش و بینش کافی برخوردار نباشند و جاهل و ناآگاه به خواست اولیای دین «علیهم السلام» بوده و یا توان لازم را در ایجاد و تقویت جاذبه‌های حقیقی نداشته باشند، به ایجاد جاذبه‌های کاذب و موهوم که حتی ضدیت با شعائر اسلامی دارد رو آورده و نه تنها نتایج مطلوب و مورد نظر و انتظار اولیای الهی «صلوات الله علیهم» را علی‌رغم زحمات و تلاش بعضاً خالصانه‌شان نمی‌گیرند، بلکه سرمایه‌ها و فرصت‌ها را از دست داده و یا مجموعه را با آسیب‌ها و آفات جدی روبرو کرده و یا

۱ - مأخذ پیشین؛ شماره‌ی ۷۴۷۷.

۲ - مأخذ پیشین؛ شماره‌ی ۷۴۷۹.

۱ - حماسه‌ی حسینی؛ ج ۱ خلاصه‌ی ص ۲۱۳ و ۲۱۴

۲ - غررالحکم؛ ص ۳۲۲ شماره‌ی ۷۴۸۲

لااقل به یک مجموعه‌ی ضعیف و کم‌اثر و ناکارآمد تبدیل می‌نمایند و حضرت امام علی «علیه السلام» پرده از این راز برداشته و ضعف و ناتوانی عوامل اجرایی یک کار را آفت آن کار دانسته و می‌فرماید: «آفةُ الاعمالِ عَجْزُ الْعَمَالِ»<sup>۱</sup> و نیز فرمود: (مصیبتی سخت‌تر از جهل و نادانی نیست)؛ «لامصيبةً اشدَّ من الجهل»<sup>۲</sup> و فرمود: (جاهل و نادان همیشه یا افراط‌گر و تندرو و یا تفریط‌کننده و کاهل است)؛ «لا یرى الجاهلُ الا مُفْرِطاً او مُفْرِطاً»<sup>۳</sup>. و در زیارت اربعین حضرت سید الشهداء «علیه السلام» که صفوان جمّال از حضرت صادق «علیه السلام» روایت کرده می‌خوانیم: «و بَدَلَ مُهْجَتَهُ فِیْكَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حِیرَةِ الظَّلَالَةِ»<sup>۴</sup>؛ (امام حسین «علیه السلام» خون پاکش را در راه توبه خاک ریخت تا بندگان را از جهالت و نادانی و حیرت و سرگردانی ضلالت و گمراهی نجات دهد).

۱ - غررالحکم؛ ص ۳۴۵ شماره ۷۹۲۴

۲ - مأخذ پیشین؛ ص ۷۳ شماره ۱۱۰۸

۳ - نهج البلاغه؛ حکمت ۶۷

۴ - اقبال الاعمال؛ ص ۵۸۹

## ۵- سنت سازی های غلط و مخالف با روح دین

بر هیچ عاقلی پوشیده نیست که نوآوری‌هایی که هم‌خوانی با اصول و پایه های دینی دارد، نه تنها مذموم نیست، بلکه بسیار لازم و ضروری بوده و مورد تأیید رهبران الهی می‌باشد. عارف واصل، مفسر کبیر، مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً كَانَ لَهُ اجْرُهَا وَ اجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ اَنْ يَنْقُصَ مِنْ اجْرِهِ شَيْءٌ وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ لَهُ وِزْرُهَا وَ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا»<sup>۱</sup>. معنای این حدیث آن است که: «هر کس سنت خوبی را باب کند و مردم را بدان عادت دهد، هم اجر عمل خود را می‌برد و هم اجر کسی را که بدان عمل کند، بدون اینکه از اجر عاملین آن چیزی کم شود و هر کس سنت زشتی را باب کند، هم وزر آن عمل را به دوش خواهد کشید و هم وزر هر کسی را که به آن عمل کند»<sup>۲</sup>.

آنچه مایه‌ی تأسف و تأثر عالمان و اندیشمندان دلسوز شده است، سنت‌سازی‌های موهوم و موهن و غلط و بی‌ریشه‌ای

۱ - المیزان؛ ج ۱۲ ص ۲۲۹

۲ - ترجمه المیزان؛ ج ۱۲ ص ۳۳۵

است که به نام دین و اولیای عظیم الشان آن «صلوات الله علیهم» پایه گذاری و ترویج می‌شود و سرمایه‌های زیادی را اعم از مادی و انسانی متوجه خود کرده و نتیجه‌ای را جز وهن مذهب شیعه، در پی نداشته است؛ و پایه گذاران و ترویج کنندگان آن بعضاً حاضر نیستند از چنین سنت‌های موهنی دست بردارند که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

### الف - قمه زنی

از آسیب‌هایی که در بعضی از هیئت‌های مذهبی و مجالس سوگواری مشاهده می‌شود قمه زنی؛ تیغ زنی؛ قفل زنی و نظایر آن است. صرف نظر از اینکه چنین کارهایی حلال است یا حرام، بر احدی پوشیده نیست که این‌گونه رفتارها در محافل و مجالسی که انتساب به تشیع دارد چهره‌ی مکتب اهل بیت «علیهم السلام» را مشوه کرده و وهن مذهب تلقی می‌شود، به طوری که مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای «مد ظله» چنین عملی را به شدت نکوهش کرده و فرمودند: «قمه زدن هم از آن کارهای خلاف است، این یک کار غلطی است که عده‌ای

قمه‌ها را بگیرند و بر سر خود بزنند و خون بریزند. کجای این کار، حرکت عزاداری است؟! این جعلی است؛ اینها چیزهایی است که از دین نیست<sup>۱</sup> و به لحاظ آثار مخرب و غیرقابل جبرانی که در داخل و خارج از کشور دارد، در پاسخ نامه‌ای، حکم حکومتی به حرمت آن کرده و فرموده‌اند: «امروز این ضرر قمه زدن بسیار بزرگ و شکننده است و لذا قمه زنی علنی و همراه با تظاهر حرام و ممنوع است»<sup>۲</sup>.

و با کمال تأسف عده‌ای با اصرار بر این کار غلط، با یک بیت شعر به آن مشروعیت بخشیده و می‌گویند:

*عاشقان را داد فتوا سر شکستن جایز است*

*چوب محمل شاهد این ابتکار زینب است*

و حال آنکه اصل این داستان که حضرت زینب «سلام الله علیها» با دیدن سر بریده‌ی برادر از شدت تأثر سر به چوبه‌ی محمل کوبید و خون از زیر مقنعه‌اش جاری شد، نه تنها در هیچ کتاب معتبری نقل نشده، بلکه مرحوم محدث قمی صاحب مفاتیح الجنان که اخلاص و عشق او به خاندان رسالت «صلوات الله علیهم» زبان زد عام و خاص بوده و می‌باشد، پس از آنکه نسبت شکستن سر را به جناب زینب کبری که

۱ - بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۱۷

۲ - استفتاء

صاحب مقام رضا و تسلیم بوده بعید دانسته؛ اصل وجود هودج و محمل را نیز در آن مکان رد کرده و می‌نویسد: «حمل ایشان بر شتران بوده که جهاز ایشان پلاس و روپوش نداشته است»<sup>۱</sup>.

پس اولاً چنین انتسابی به عقیده‌ی بنی هاشم «سلام الله علیها» هرگز قابل اثبات نیست و ثانیاً بر فرض وقوع آن، باز نمی‌تواند با توجه به مبانی فقاقت، مستمسک جواز یا استجاب قمه زنی و سر شکستن باشد.

## ب- حمل علم

در عصر و روزگاری که ما به سر می‌بریم تصویر مراسم و دستجات عزاداری از طریق اینترنت و شبکه‌های خبری و ماهواره ای به سرتاسر جهان پخش و منتشر می‌گردد. اگر برای ناظر و بیننده‌ی آن این سؤال را ایجاد کند که حمل این علامت‌های سنگین و آهنی که با اشکال و مجسمه‌هایی چون خورشید و کشکول و تبرزین و پَر و کبوتر و شیر و اژدها و زنگوله، آذین بندی شده است، چه پیامی داشته و چه تناسبی با نهضت و عزای حسینی دارد، چه پاسخ منطقی

۱- منتهی الآمال؛ ج ۱ ص ۶۲۰.

و قانع کننده‌ای برای پرسش او داریم؟! تأسف بارتر اینکه میزان بلند کردن و چرخاندن و خم کردن و افزایش تیغه‌ها و طلاکوب کردن آنها، رنگ مسابقه‌گذاری به آن داده و سبب رقابت و فخرفروشی شده است و در حاشیه و گرد آن فسادهایی دیده می‌شود که قبح و زشتی و حرمتش بر هر بیننده‌ای واضح و آشکار می‌باشد.

آن علم‌ی که در دستان مبارک علمدار کربلا حضرت قمر بنی هاشم «علیه السلام» حمل می‌شده، پرچم بلندی بوده که حمل آن به دست شجاع‌ترین نیروهای رزمی در میادین جنگی مرسوم بوده است. آیا عاقلانه و بهتر آن نیست که به جای علامت‌های سنگین آهنی که ریشه‌ای در مذهب ما ندارد، بیرق‌ها و پرچم‌های نقش بسته به شعارهایی نظیر «هیئات منّا الذلّة»<sup>۱</sup> و «القتلُ أُولی من رکوب العار»<sup>۲</sup> و «و الله ان قطعتموا یمینی، انّی أحمی ابدأ عن دینی»<sup>۳</sup> را بر دوش خویش حمل کنیم و پیام نهضت حسینی را در مقابل دید جهانیان به تصویر کشیم و جان‌های تشنه را مجذوب فرهنگ عاشورا نماییم؟!

۱- لهوف؛ ص ۹۷.

۲- مأخذ پیشین؛ ص ۱۱۹.

۳- مناقب؛ ج ۴ ص ۱۰۸؛ بحار الانوار؛ ج ۴۵ ص ۴۰.

رهبان معظم انقلاب حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای «مدظله» در نکوهش ترویج این گونه امور بی ریشه و بی محتوا که حقیقتاً به هیئت‌های مذهبی آسیب می‌رساند فرمودند:

«بعضی از نمایش‌های غلط، مسخره بازی، سرگرمی، لهو و لعب به نام عاشورا و مصیبت، عزاداری نیست. بعضی از این چشم و هم چشمی‌های غلط؛ فلان دسته علامتش سیزده تیغ دارد، این دسته‌ی دیگر علامتش باید پانزده تیغ داشته باشد، بعد آن دیگری می‌آید می‌گذارد روی دست این، علامتش می‌شود هفده تیغ، همین‌طور تا برو بیست و چند تیغ! خدا می‌داند چه کسی می‌خواهد این علامت را بردارد؟! واقعا یک کار جاهلانه است. رقابت روی این چیزهای بی‌معنی و پوچ و بی‌محتوا، جزء غلط‌ترین کارهایی است که ممکن است ملت ما در یک چنین حادثه‌ی عظیمی بهش دچار بشوند.»<sup>۱</sup>

و حضرت آیه الله جوادی آملی «دامت برکاته» حمل علم‌های آهنین را خردمندانه ندانسته و فرمودند: «در دسته‌روی‌ها، علم سنگین و بی‌خاصیت بر دوش کشیده می‌شود، این کار نه خردمندانه است و نه در قرآن و روایات به آن توصیه شده

۱ - بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه ۶۳/۷/۲۰

است. در ماتم امام حسین اشک و آه و ناله و بر سر و سینه زدن آگاهانه، انسان ساز است و از آهن سنگین و سرد، کاری بر نمی‌آید.»<sup>۱</sup>

### ج- ترویج و نصب شمائل

از آفات و آسیب‌هایی که متوجه هیئت‌ها و مجالس عزاداری شده است و در سال‌های اخیر، رشد خیره‌کننده‌ای داشته و درآمدهای مالی چشمگیری را نصیب مروّجان سودجو نموده است، نصب شمائل بعضی از حضرات معصومین «علیهم السلام» و شهدای بزرگوار کربلا می‌باشد که به هیچ وجه، مستند تاریخی نداشته و با چهره‌ی ملکوتی و فرهنگ عاشورایی آن بزرگواران تناسب ندارد و در حقیقت، حاصل تخیلات و برداشت‌های غلط و افکار خام نقاش آن می‌باشد.

در این تصاویر و شمائل و نقاشی‌ها، سطحی‌نگری و برداشت‌های پوچ و غلط از سیمای ملکوتی آن انوار مقدسه موج می‌زند و در نوع این تصاویر عجیب و غریب، تأکید بر هر چه زیباتر نشان دادن چشم و ابرو شده است و بعضی از آنها در حقیقت نمایانگر ابتذال ذوقی است، نه افزایش

۱ - شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی؛ ص ۲۵۵



دهنده‌ی معرفت دینی و تقویت‌کننده‌ی روح حماسی. لذا لازم است از ترویج و نصب آن‌ها که باعث وهن اهل بیت پیامبر «صلوات الله علیهم» می‌باشد به جدّ خودداری کرده و به جای نصب آن‌ها از تصاویری نظیر «عصر عاشورا» و عکس‌های شهدای گرانقدردمان استفاده نماییم که از سر صدق، به مولایشان حسین «علیه السلام» «یا لیتنی كنتُ معکم فافوزاً فوزاً عظیماً»<sup>۱</sup> گفتند و حسین زمانشان را با لبیک در قول و عمل، یاری نمودند.

## ۶- بی‌اعتنایی به شأن جلسات

ما باید توجه داشته باشیم که هیئات و مجالس مذهبی به نام چه بزرگوارانی تشکیل شده و انتساب به چه انوار مقدسه‌ای دارد؟ شخصیت‌هایی که عرشیان و فرشیان، مبهوت عظمت مقام و منزلت آن‌ها هستند. حداقل برای یک بار هم که شده ترجمه‌ی زیارت «جامعه‌ی کبیره» را بخوانیم و با اوصاف و کمالات امامان معصوم «علیهم السلام» و لو در حدّ ابتدایی آشنا شویم، تا به خود اجازه ندهیم و جرأت پیدا نکنیم که در مجالس متعلق به آن

۱- من لایحضره الفقیه؛ ج ۲ ص ۵۹۴.

بزرگواران کارهایی که دون شأن و مقام و منزلت آنان است انجام دهیم. آن ارکان توحید و معرفت، قدسی صفتانی می‌باشند که عرفان و معرفت به منزلت و حقّشان را باید از خداوند درخواست کنیم که «آن تُدخِلنی فی جملة العارفین بهم و بحقهم»<sup>۱</sup> لذا به جا و ضروری است که در چنین مجالسی، چه در سینه زنی‌ها و عزاداری‌ها و چه در شادی‌ها و دست‌افشانی‌ها، از حرکات و روش‌ها و سبک‌هایی که به دور از شأن و ساحت قدس آنان بوده و نوعاً وارداتی می‌باشد و از ادبیاتی که هماهنگی با فرهنگ و هویت دینی و ملی و بومی ما ندارد، پرهیز کنیم.

## ۷- به کارگیری موسیقی‌های نامناسب

عزاداری باید حامل پیام و عشق و علاقه و محبت به خاندان رسالت و متناسب با شأن و مقام و منزلت آن بزرگواران خصوصاً حضرت سیدالشهدا «علیهم السلام» باشد.

از آفت‌هایی که متوجه بعضی از هیئت‌های مذهبی و دستجات عزاداری شده است، استفاده از موسیقی‌هایی

۱- من لایحضره الفقیه؛ ج ۲ ص ۶۱۵.

است که در شأن و منزلت مجالس اهل بیت «صلوات الله علیهم» نمی‌باشد و ای بسا از مصادیق موسیقی‌های لهنوی بوده که حرمت شرعی نیز دارد و بعضاً دیده می‌شود به جای خواندن نوحه‌ای که باید حامل پیام و عشق و محبت باشد، به پخش موزیکی اکتفا کرده و به همراه آن زنجیزنی و یا سینه زنی می‌کنند و یا به همراه نوحه خوانی، از موسیقی‌هایی استفاده می‌کنند که با شاخصه‌های موسیقی سوگ و عزا و موسیقی عاشورایی که در ذات خود، حماسه و عرفان و مقاومت و عزت و ذلت ناپذیری را دارد همخوان و هماهنگ و سازگار نبوده و عزاداران را از مقاصد اولیای الهی «صلوات الله علیهم» غافل می‌کند.

پیدا شدن روش‌هایی این چنین و ترویج آن‌ها، در حقیقت اهانت به ساحت قدس آن بزرگواران بوده و سرناسازگاری با اهداف اهل بیت پیامبر «علیهم السلام» و مجالس سوگ و عزای آنان، خصوصاً عاشورای حسینی دارد.

## ۸- روضه‌های ساختگی

از آسیب‌هایی که بعضاً در هیئات مذهبی دیده می‌شود، رو آوردن به روضه‌های ساختگی و من در آوردی به انگیزه‌ی ایجاد تأثر عاطفی و گُل کردن بیشتر مجلس می‌باشد

و چون ساختگی و کذب و دروغ می‌باشد، گوینده‌ی آن مبتلا به فعل حرام شده و به آسیب‌های معنوی و اخروی گرفتار خواهد شد.

با وجود مقاتل و کتاب‌های روضه‌ی معتبر، نظیر «ارشاد مفید» و «لهوف» و «منتهی الآمال» و «نفس المهموم» رو آوردن به روضه‌های ساختگی، خسروانی است مبین و نشان از آن دارد که افرادی این چنین، نمی‌خواهند مجلس حضرت سیدالشهدا «علیه السلام» گُل کند، بلکه در پی آنند تا خود را مطرح کرده و آوازه‌ی مجلسشان بر سر زبان‌ها بیفتد، و برای چنین افرادی دیگر فرقی نمی‌کند که آن چه می‌خوانند و ترویج می‌دهند حقیقت داشته یا نه؟! چون هدفشان، هدف مقدسی نمی‌باشد.

## ۹- زبان حال گوینده و سراینده

از آفت‌هایی که بعضاً در بعضی از مجالس دیده می‌شود، روضه‌ها و مرثیه‌ها و اشعاری است که در قالب زبان حال ایراد می‌گردد و هیچ تناسبی با محیط فرهنگی و تربیتی و روحیات و شخصیت و عظمت مقام حضرات معصومین «علیهم السلام» و اصحاب فداکارشان ندارد و در حقیقت باید گفت گوینده و سراینده، مطالبی که ارائه

می‌دهد با فضای تربیتی و روحی و خانوادگی و اجتماعی خودش سازگار بوده و در مقام توصیف حال خود می‌باشد و زبان حال خود را می‌کند نه زبان حال آن بزرگواران را؛ به عنوان نمونه، این که به عنوان زبان حال حضرت سیدالشهدا «علیه السلام» گفته شود که «شدم راضی که زینب خوار گردد» آیا نشان ذلت و خواری و زبونی و وهن مقام امام نمی‌باشد؟!

زبان حالی پذیرفتنی است که حقیقتاً زبان حال باشد و آن در صورتی است که با شرایط و ویژگی‌ها و محیط آن واقعه‌ی تاریخی و عظمت شخصیت و علو مقام آن بزرگواران تناسب داشته باشد و مستمع را از اهداف و ساحت قدس آنان دور نکند.

### ۱۰- تعبیرات غلوآمیز

در سال‌های اخیر در بعضی از اشعار و مرثی، تعبیراتی دیده می‌شود که غلوآمیز بوده و بزرگان دینی را به واکنش‌های تندی وا داشته است؛ تعبیراتی نظیر «علی‌اللهی»؛ «زهره‌اللهی»؛ «لا اله الا زینب».

این‌گونه تعبیرات هم بهانه به دست دشمنان مغرض می‌دهد و هم با شیوه و مرام خاندان رسالت «صلوات الله

علیهم» در تضاد می‌باشد. ما باید طریقه‌ی ثناگویی را از خود آن بزرگواران بیاموزیم که حضرت علی «علیه السلام» فرمود: «هَلِكُ فِي رَجُلَانِ مُحِبُّ غَالٍ وَ مَبْغُضٌ قَالٍ»؛ (دو گروه درباره‌ی من هلاک شدند: دوستی که در اظهار دوستی نسبت به من افراط و زیاده روی می‌کند و دشمنی که در دشمنی با من تدروی داشته است) و باید بدانیم که مرز غلو در مقام تعریف و تمجید و ثناگویی، خارج نمودن آن بزرگواران از دایره‌ی عبودیت و بندگی می‌باشد.

### ۱۱- خرافات

خرافات جمع خرافه، به معنای حدیث باطل و دروغ و سخن بیهوده و یاوه و امری که از واقعیت برخوردار نبوده می‌باشد. بنابراین هر عقیده و رفتاری که مبنای عقلی و دینی ندارد و نامعقول و بی اساس می‌باشد، خرافه خواهد بود.

خرافه و ویروس خطرناکی است که اگر در هیئات و مجالس مذهبی راه پیدا کند، مضمحل‌کننده‌ی اندیشه‌ی دینی و موهن مذهب خواهد بود.

دشمنان با استفاده از ابزار جهل جاهلان و سادگی ساده‌لوحان، سعی بر گسترش امور خرافی برای از بین بردن حقایق متقن

و ارزشمند دینی دارند.

سرگرم شدن به امور خرافاتی نه تنها هیچ نتیجه‌ی مثبتی را به دنبال نداشته، بلکه آدمی را از اصل و حقیقت و هدف غایی خلقت و مقصد همه‌ی انبیاء «صلوات الله علیهم» غافل و منحرف می‌کند و متأسفانه این‌گونه امور در مجالس زنانه بیشتر و پررنگ‌تر دیده می‌شود. به عنوان مثال می‌گویند: سفره‌ی امام حسن «علیه السلام» همه چیزش باید سبز باشد، حتی میوه و دست مال کاغذی آن والا نذر امام حسن «علیه السلام» درست نخواهد بود و با ترویج امور بی‌ریشه‌ی این چنین، ساعت‌ها انسان‌های پاک‌دل ساده لوح را در کوچه‌ها و خیابان‌ها برای پیدا کردن چیزهایی که هیچ مبنای دینی و عقلی ندارد سرگرم می‌کنند.

مستمعین و مجریان و گردانندگان هیئات و جلسات مذهبی باید با شناسایی این‌گونه امور و مشورت با عالمان دینی از امور خرافاتی که به باورهای حقیقی و واقعی مردم لطمه و آسیب جدی وارد می‌کند و شیعیان را به عنوان انسان‌های خرافاتی معرفی می‌کند، به شدت مبارزه کرده و نقشه‌های شیاطین و شیادان و سودجویان را خنثی نمایند.

البته توجه به این نکته لازم است که بعضی از مخالفین مذهب تشیع، به نام مبارزه با خرافه و دل‌سوزی برای اسلام،

تلاش می‌کنند تا حقایق و مبانی متقن و مستحکم تشیع را که چیزی جز حقیقت اسلام ناب نمی‌باشد، خرافاتی جلوه داده و مانع گسترش آن شوند. و باید دانست که بهترین راه مبارزه با خرافات، شجاعت و آگاهی بخشی و تلاش و کوشش در جهت بالا بردن سطح شناخت و معرفت آحاد جامعه می‌باشد؛ چرا که امور خرافاتی نوعاً در محیط و فضایی رشد قارچ‌گونه دارند که جهل و نادانی بر آن حاکم باشد.

## ۱۲- ناآشنایی با فقه هیئت داری

از آسیب‌های تهدیدکننده‌ی آثار و برکات معنوی و مادی هیئات و جلسات مذهبی، عدم آشنایی مجریان آن‌ها با فقه هیئت داری است، تا جایی که برای انجام امر مستحبی بعضاً مرتکب کارهای حرام و ضامن آور می‌شوند. به عنوان مثال اگر برنجی را به هیئتی بدهند که نذر شب تاسوعا شده، جایز نیست که ظهر تاسوعا و یا غیر آن اطعام کنند و اگر تخلفی صورت گرفت، به نذر وفا نشده و بر ذمه‌ی ناذر باقی می‌ماند و در مواردی ممکن است موجب کفاره‌ی حث نذر هم بشود و گیرنده‌ی برنج نیز چون آن‌طوری که گفته شده عمل نکرده، مسئول

خواهد بود. لذا لازم است مجریان هیئات مذهبی، فقه تمامی اموری که در هیئت‌های مذهبی مورد ابتلا می‌باشد، نظیر احکام وقف و نذر و وکالت و امانت و قربانی و نظایر آن را از طریق ارتباط مستمر با علمای آگاه به مسائل شرعی بیاموزند، تا خود و دیگران را گرفتار در دنیا و آخرت نکنند و به مظالم عباد گرفتار نشوند.

### ۱۳- ترویج عرفان‌های کاذب

دنیای غرب پس از سال‌ها برنامه ریزی در جهت مبارزه با حاکمیت دین و اسلام ناب و برباد رفتن نقشه‌های شومشان، پرچم ترویج معنویت را بر افراشته و برای فراهم آوردن نفوذ فرهنگی خویش، به نشر عرفان‌های کاذب و وارداتی در بین جوانان کشورهای جهان سوم به خصوص خاور میانه رو آورده است که متأسفانه بعضی از هیئات مذهبی و مجالس عزاداری از این آفت‌ها دور نمانده و آسیب‌های جدی دیده‌اند و عده‌ای سودجو، از گرایش‌های فطری نسل جوان به معنویت، و احساسات و عواطف زنان و دختران، سوءاستفاده کرده و با طرح مطالب پوچ و بی‌اساس به نام عرفان، به لابی‌گری پرداخته و جوانان پاک و بی‌آلایش جامعه را فریب داده‌اند؛ و به نام دعوت به خدا، به خود

دعوت نموده و مریدپروری می‌کنند.

باید توجه داشت که عرفان حقیقی از مسیر شریعت می‌گذرد و با صرف خواندن یک کتاب عرفانی و یادگیری چند اصطلاح، نمی‌توان عنوان عارف را یدک کشید و مجلس گردانی کرد.

عارف واصل حضرت امام خمینی «ره» در پایان یکی از کتاب‌های عرفانی خود، وصیت و سفارشی چنین دارند که: «مبادا در مقام فهم مطالب این اوراق برآیی پیش از آن که در کلمات متألهین اهل ذوق، بررسی کامل نموده و معارف را در نزد مشایخ بزرگ و عرفای بزرگوار که اهل معارف‌اند فراگرفته باشی، و گرنه، تنها مراجعه کردن به این‌گونه معارف، به جز زیان چیزی نیفزاید و به غیر از محرومیت نتیجه‌ای نخواهد داشت.»<sup>۱</sup>

اگر مجالس مذهبی درست مدیریت نشوند، و عطش فطری جوانان عزیز، با عرفان حقیقی سیراب نگردد، گرایش‌های انحرافی و عرفان‌های قلبی و معنویت‌های دروغین، توسط شیادان نقش آفرینی کرده و آسیب‌های غیر قابل جبرانی را متوجه جامعه خواهند نمود.

## ۱۴- بی توجهی به جنبه های حماسی

بی توجهی و یا کم توجهی به بُعد حماسی اسلام خصوصاً حادثه‌ی عاشورا، از آفات است که تخریب کننده‌ی مجالس مذهبی بوده و در جهت خواست دشمنان سیلی خورده‌ی دین و انقلاب اسلامی و سودرسانی به آن‌ها و تند و تیز کردن آسیابشان می‌باشد.

عاشورا و حرکت حسین بن علی «علیه السلام» شورانگیزترین و حماسی‌ترین حادثه‌ای بوده است که با ظرفیت بی نظیرش برترین الگو برای همه انقلابیون و سلحشورانی است که به قدرت‌های ستمگر «نه» گفته و می‌گویند.

سرنوشت انقلاب اسلامی که حاصل توجه به بعد حماسی حادثه‌ی عاشورا است، در چهار راهپیمایی عظیم و گسترده‌ی مردم، در روزهای تاسوعا و عاشورا و اربعین و بیست و هشتم صفر سال ۱۳۵۷ هجری شمسی رقم خورده است.

چگونه می‌توان بُعد حماسی عاشورا را کم رنگ جلوه داد، در حالی که در زیارت عاشورای آن حضرت می‌خوانیم: «أَنْتَ سَلَّمَ لِمَنْ سَأَلَكُمَّ وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُم»؛ و نیز به آن

حضرت عرض می‌کنیم: «يَا كَيْتِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»<sup>۱</sup>.

و به جا است در کنار نصب اشعار عاطفی در مجالس مذهبی، رجزهای حماسی شهیدان کربلا و کلمات و مواعظ نورانی حضرت سیدالشهدا «علیه السلام» نیز نصب گردد.

کسانی که شعار جدایی دین از سیاست را سر داده اند و در لباس دین‌داری به ترویج آن می‌پردازند، در حقیقت بیگانه‌ی از فرهنگ عاشورا و بُعد حماسی آن می‌باشند.

## ۱۵- بی توجهی یا کم توجهی به حقوق ناس

عدم رعایت حقوق همسایگان و بیماران و آزار و اذیت آنان، خصوصاً در نیمه‌های شب از طریق ابزارهای صوتی و آلات موسیقی، از برکات هیئت‌های مذهبی می‌کاهد و به مجالس عزاداری آسیب می‌رساند و اگر ضرورتی اقتضا کرد، بسیار پسندیده است که رضایت ساکنان اطراف هیئات مذهبی جلب گردد. و هم‌چنین حرکت دستجات عزاداری و برپایی نماز جماعت ظهر عاشورا در میادین و معابر و کوچه‌ها و خیابان‌ها، گرچه مورد تأکید مراجع و

علمای شیعه در قرون گذشته، خصوصاً در عصر حاضر بوده و خود نیز در چنین دستجاتی با پای برهنه شرکت کرده و می‌کنند و بارزترین مصداق تعظیم شعائر الهی می‌باشد، اما نباید از این مسئله غافل شد که می‌توان با برنامه ریزی و برخورد منطقی آمیخته با مهر و محبت و همکاری با مأموران حکومتی، مانع نارضایتی و انزجار عابرین شده و دل‌های آنان را مجذوب تعظیم چنین شعائری نمود.

رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود: «جبرئیل چندان درباره‌ی همسایه به من سفارش کرد که گمان کردم ارث می‌برد»<sup>۱</sup>. و نیز فرمود: «حرمت همسایه بر آدمی همچون حرمت مادر است»<sup>۲</sup>. و نیز فرمود: «هر کس مؤمنی را آزار کند، مرا آزار کرده است»<sup>۳</sup>.

## ۱۶- نپرداختن به همه‌ی ابعاد دین

از آفت‌هایی که در بعضی از مجالس مذهبی دیده می‌شود، افراط در پرداختن به جنبه‌های عاطفی، و بی‌توجهی و غفلت نسبت به سایر ابعاد دین می‌باشد که در دراز مدت

۱- وسایل الشیعه؛ ج ۶ ص ۳۲

۲- مکارم الاخلاق؛ ص ۱۴۳

۳- بحار الانوار؛ ج ۷۵ ص ۴

می‌تواند تخریب‌کننده باشد. لذا بسیار دیده شده که یک انسان هیئتی با این که اشک و آه خوبی در جلسات دارد، اما به خاطر جهل نسبت به سایر ابعاد دین و ناآشنایی با سیره‌ی عملی شهیدان کربلا، واجبات را فدای مستحبات کرده و نتوانسته حتی رضایت خانواده‌ی خود را در رفتار با آنان جلب نماید.

## ۱۷- بی‌توجهی به نماز اول وقت

از آسیب‌های گسترده‌ای که در هیئات مذهبی و دستجات عزاداری دیده می‌شود و مورد سوءاستفاده‌ی مخالفین مذهب تشیع شده است، آن است که در هنگام اذان، به عزاداری پرداخته و نمازهای خود را از وقتش تأخیر می‌اندازند که چنین روشی با روح حرکت حسینی ناسازگار می‌باشد.

یک عزادار واقعی باید بداند که ارباب و مولایش حضرت حسین «علیه السلام» در صحنه‌ی پیکار ظهر عاشورا، در حالی که تیرهای دشمن به سمتش روانه بود، نماز ظهر عاشورا را به همراه یارانش در اول وقت اقامه نمود و عالی‌ترین جلوه‌ی شریعت محوری و عبودیت و بندگی حضرت حق را برای همگان تا ابد به تصویر کشید.

لذا لازم است که عزاداران در هر کجا که هستند به محض شنیدن صدای اذان، دست از همه‌ی کارها بشویند و دستجات عزاداری را متوقف کرده و با اقتدای به سید و مولایشان حضرت حسین «علیه السلام» نماز را که عمود و ستون خیمه‌ی دین است اقامه نمایند.

### ۱۸- غفلت از مصالح جهان اسلام

از آسیب‌هایی که در بعضی از مجالس مذهبی دیده می‌شود غفلت و کم‌توجهی نسبت به مصالح کنونی جهان اسلام، خصوصاً مذهب تشیع است. امروزه بیش از هر زمانی دشمنان اسلام و انقلاب درصددند تا بین شیعیان و اهل سنت اختلاف ایجاد نمایند و آنان را به تفرقه و رویارویی با یکدیگر بکشانند.

تفرقه و اختلاف موجب هدر رفتن نیروها و فشل شدن جامعه و امت اسلام می‌شود. لذا از هر گفتار و رفتار تفرقه‌آمیز و هر عملی که با مصالح اسلام و مسلمین سازگار نبوده و آسیاب دشمنان را تندتر می‌کند، باید پرهیز کرده و با وحدت و یک‌پارچگی، دشمنان را به انفعال واداشته و اهدافشان را یکی پس از دیگری خنثی نمود.

البته باید توجه داشت که مراد از وحدت بین شیعیان و

اهل سنت، هرگز به معنای دست برداشتن از عقیده‌ی حق نمی‌باشد؛ بلکه مراد از وحدت، وحدت بر اساس اصول و عقاید مشترک و تکیه بر اشتراکات حق مورد قبول دو طرف و کوشش در راستای تقویت مشترکات و ایستادگی و مقاومت در مقابل دشمن مشترک می‌باشد.

### ۱۹- رقابت‌های ناسالم

از کارهای ناروایی که بعضاً وهن مذهب شیعه را در پی دارد و پرهیز از آن ضروری و لازم است، رقابت‌های ناسالمی است که گاهی میان هیئت‌ها و دستجات عزاداری بروز می‌کند و ریشه‌ی آن را باید در حب نفس و خودنمایی و خودبینی و غرور و منیت و شهرت‌طلبی و دنیا دوستی جستجو کرد و بسیار موجب تأسف و تأثر است که بعضاً برای پیشی گرفتن از یکدیگر، حتی در پیشی گرفتن نسبت به دسته‌ی عزاداری دیگر، به کارهای ناروایی رو آورده و هزینه‌ها کرده و برای رونق و برتری بیشتر مجالس خود نسبت به مجلس رقیب، به تحریف حماسه‌ی عاشورا پرداخته و در ساختن و بافتن مطالب نادرست نیز بر یکدیگر سبقت و پیشی می‌گیرند و به جای آن که با هیئت مقابل خود به دیده‌ی تکریم و احترام و برادری رفتار کرده و با آن رفیق باشند، به



دیده‌ی حریف می‌نگرند و از کسادى و بى رونقى و زمین خوردن آن در دل شاد می‌گردند.

این گونه نيات و رفتارها که سرستیز با فرمان الهی ﴿تعاونوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾<sup>۱</sup> دارد، سهم مهلکی است که سرمایه‌های معنوی و اخروی این گونه هیئات را تهدید کرده و اهداف عزاداری و آثار فرهنگی و تربیتی و سیاسی و حماسی مجالس مذهبی را با خطر جدی روبرو می‌کند و به راستی چه خسارتی از این آشکارتر که یک عمر بکوشیم و بسازیم و بر سر کجا ایستادن و کجا نشستن و رقابت‌های موهوم، ساخته‌ها را سوخته و به ویرانه تبدیل نماییم.

## ۲۰- توهم موفقیت

در نظر بعضی از گردانندگان هیئت‌های مذهبی، هیئتی موفق تر است که پرداختن به جنبه‌های ظاهری صرف در آن بیشتر باشد، نظیر داشتن جمعیت زیاد؛ چشمگیر بودن طول دسته‌ی عزاداری؛ کثرت دیگک و تنوع غذا؛ داشتن علامت با تیغه‌های بیشتر و تزئینات برتر؛ برخوردارى از بهترین ابزار صوتی و آلات موسیقی و...

۱- (در نیکو کاری و پرهیزگاری، با یکدیگر همکاری کنید)؛ «سوره‌ی مائده؛ آیه‌ی ۲»

در مجالس و هیئت‌هایی که چنین توهم موفقیتی حاکم است، بانیان و مستمعین عزادار، از مسیر و فلسفه و هدف اصلی عزاداری‌ها دور شده و بر طبل کمیّت محوری و بی توجهی یا کم توجهی به کیفیت نواخته می‌شود، تا جایی که چنین مجالسی که باید مطهر حاضرین از آلودگی‌های رفتاری و باطنی باشد خود به انواع آلودگی‌ها مبتلا شده و زمینه‌ی مبتلا شدن به گناهان و محرمات را نیز در دیگران فراهم می‌سازد.

## بهترین هیئت

بهترین و موفق‌ترین هیئت و مجلس، آن هیئت و مجلسی است که اخلاص در همه‌ی عناصر پدید آورنده‌ی آن بیشتر باشد و سطح معرفت و پیوند با کتاب آسمانی و اولیای عظیم‌الشان الهی «علیهم‌السلام» را افزایش دهد و محبت و عشق و روح تعهد و مسئولیت نسبت به خاندان رسالت و راهشان را عمیق‌تر کرده و بین کسی که در چنین مجالسی حاضر شده، با آن بزرگواران در شور و شعور و ظاهر و باطن و تعبد به شریعت و طی طریقت و همه‌ی

کمالات و ابعادی که ممکن است، سختی ایجاد نماید و در تعظیم شعائر مبتنی بر اصول، کوشاتر باشد.

## هشدار

باید توجه داشت که ممکن است بعضی از شیاطینی که با تشکیل هیئت‌های مذهبی و مجالس روضه و عزاداری مخالف هستند، این گونه بحث‌های آسیب‌شناسی را بهانه‌ای قرار دهند برای مطامع خودشان و بگویند پس عزاداری‌ها بیهوده و بی‌فایده است و باید تعطیل و یا ترک شود و چنین استدلال کنند که سفره‌ی پهن نشده یک عیب بیشتر ندارد، اما اگر پهن شد، ده‌ها عیب پیدا می‌کند، پس بهتر است که پهن نشود؛ و یا بعضی از فریب‌خوردگان چون حاضر به رفع نقایص نیستند، در مقابل چنین مباحثی جبهه‌گیری کرده و بگویند این گونه مباحث در جهت تضعیف هیئات مذهبی و مجالس عزاداری می‌باشد؛ و حال آن که باید توجه داشت که:

اولاً: آسیب‌شناسی هیئات مذهبی در جهت تقویت حقیقی آن‌ها بوده و معنای آسیب‌شناسی آن است که با شناخت آسیب‌ها و رفع آن‌ها، هیئت‌ها و مجالس مذهبی بتوانند کارکرد اصلی خود را پیدا کرده و با قوت و قدرت

بیشتری از همه‌ی ظرفیتشان بهره‌برداری شود و همگان بتوانند از ثمرات این شجره‌ی طیبه استفاده‌ی کافی و وافی را ببرند.

ثانیاً: شناخت آسیب‌ها و آفات و اقدام عملی برای برطرف نمودن آن‌ها، نوعاً در حین عمل ممکن می‌باشد؛ سفره‌ای که پهن نشده، اشکالات و نواقص آن آشکار نمی‌گردد. پس به مرور زمان و به تدریج باید آسیب‌ها و آفات را شناخت و با شجاعت، اقدام به برطرف کردن آن‌ها نمود.

و ثالثاً: هیئات مذهبی و مجالس روضه با همه نواقصی که دارند، باز نقش منحصر به فردی را در نشر معارف الهی و مبانی تشیع ایفا کرده و می‌کنند، لذا حضرت امام خمینی «قدس سره» در این رابطه می‌فرماید: «مجالسی که به نام روضه در بلاد شیعه به پا می‌شود، با همه نواقصی که دارد، باز هر چه دستور دینی و اخلاقی است و هر چه انتشار فضائل و پخش مکارم اخلاق است، در اثر همین مجالس است. دین خدا و قانون‌های آسمانی که همان مذهب شیعه است که پیروان علی و مطیعان اولوالامرند، در سایه‌ی این مجالس مقدس به پا بوده و پس از این هم خواهد بود»<sup>۱</sup>.

## آثار و برکات هیئت‌های مذهبی و مجالس عزاداری

شرکت در هیئت‌های مذهبی و مجالس عزاداری دارای حکمت‌ها و آثار و فواید منحصر به فردی است که روح آن‌ها را تشکیل می‌دهد و تأکید ائمه و مخالفت دشمنان با آن‌ها برای همین حکمت‌ها و آثار و فوایدش بوده است. حضرت امام حسین «علیه السلام» فرمودند: «کسی که به سوی ما بیاید- یعنی در مجالس مذهبی حضور یابد، کتاب‌های مربوط به ما را بخواند و سنت و سیرت ما را بیاموزد- از چهار فایده بهره مند می‌شود:

- ۱- با آیات محکم الهی و جهان بینی و معارف توحیدی آشنا می‌شود.
- ۲- اگر ادراک عمیق معارف دینی میسور او نبود، داستان‌های عدالت آموز و تعدیل امور و قوا را می‌آموزد.
- ۳- اگر ادراک او در مرحله‌ی پایین‌تری بود، هماهنگی اجتماعی و آداب برادری و دوستی و آیین داد و ستد را فرا می‌گیرد.
- ۴- اگر به هیچ یک از این‌ها دست نیافت، دست کم از همنشینی با عالمان برخوردار می‌شود و مشکلاتش را در حضور آنان رفع می‌کند یا گرفتار مشکلات تازه نمی‌شود.

البته کمال استفاده، در جمع بین فواید چهارگانه است و گرنه به مقدار توان باید بین آنها جمع نماید؛<sup>۱</sup> «مَنْ اتَانَا لَمْ يَعْدِمْ خِصْلَةً مِنْ أَرْبَعٍ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ قِضِيَّةٌ عَادِلَةٌ وَ اخَاً مُسْتَفَاداً وَ مُجَالِسَةَ الْعُلَمَاءِ».<sup>۲</sup>

و باید توجه داشت که عزاداری اگر چه نه از اصول دین است و نه از فروع دین، اما مستحب مؤکدّی است که حافظ اصول و فروع دین بوده و در دل خود واجبات فراوانی را داشته و بارزترین تجسم عینی تولی و تبری بوده و نتیجه‌ی آن احیای اصل امامت که مایه‌ی استحکام اساس دین است می‌باشد.

در اینجا به نمونه‌هایی از آثار و برکات هیئات مذهبی و مجالس سوگواری و عزاداری اشاره می‌گردد، تا با شناخت آنها اولاً قدر چنین مجالسی را بیشتر بدانیم و ثانیاً آثار با برکت چنین مجالسی را تقویت کرده و سطح کیفی آن را روز به روز ارتقاء بخشیم و ثالثاً با آسیب‌شناسی و آسیب زدایی، موانع تقویت آثار و ثمرات با عظمت آن را بر طرف نماییم.

۱- شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی؛ ص ۲۴۷

۲- بحارالانوار؛ ج ۴۴ ص ۱۹۵

### نمونه‌هایی از آثار و برکات هیئت‌ها و مجالس مذهبی

- ۱- تحکیم و گسترش معارف الهی و مبانی اعتقادی
- ۲- تلطیف روح انسانی و رشد و تحول اخلاقی و طهارت و تزکیه معنوی فرد و جامعه
- ۳- انسان‌شناسی و معرفت نفس و شکستن قیود و علایق مادی و بیرون آمدن از خودپرستی‌ها و خودمحوری‌ها و بازیابی و بازسازی هویت ملی و مذهبی
- ۴- احیای اسلام ناب و سنت و سیرت حضرات معصومین «علیهم السلام»
- ۵- سازندگی و آماده‌سازی فرد و جامعه برای اشاعه‌ی افکار حضرات معصومین «علیهم السلام» و ترویج فضائل آن‌ها و تابعینشان
- ۶- آشنایی با ابعاد مختلف کتاب آسمانی نظیر قرائت و حفظ و ترجمه و تفسیر آن و ترویج فرهنگ قرآنی
- ۷- آشنایی با ادعیه و مناجات‌ها و خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات حضرات معصومین «علیهم السلام» و تبیین و تحلیل آنها
- ۸- آموختن آداب دینی و حفظ و رعایت آن‌ها در روابط اجتماعی

- ۹- تجدید و تحکیم بیعت با خانواده‌ی رسالت و تلاش در جهت کم کردن نقص‌ها و فاصله‌ها با آن بی‌بدیلان در عالم خلقت
- ۱۰- رساندن پیام مظلومیت حضرات معصومین خصوصاً حضرت سیدالشهداء «علیهم السلام» به گوش جهانیان و تداوم و تقویت سنت عزاداری برای حفظ اصل حادثه‌ی الهام بخش
- ۱۱- وحدت و انسجام بخشیدن بین سطوح و طبقات مختلف جامعه‌ی دینی و همبستگی و محبت و مودت و تقرب و تألیف دل‌ها و قلوب نسبت به یکدیگر بر محوریت دین و امامت
- ۱۲- تقویت و تداوم تولی و تبری، جاذبه و دافعه و عملی نمودن آنها که نشان از حیات انسانی و معنوی فرد و جامعه‌ی با ایمان دارد.
- ۱۳- ایجاد و تقویت رابطه و پیوند بین سطوح مختلف آحاد جامعه خصوصاً جوانان، با مراکز مذهبی و عالمان دینی
- ۱۴- تقویت روحیه‌ی شریعت محوری و آشنایی و پایبندی به بایدها و نبایدهای دینی خصوصاً اقامه‌ی نماز به عنوان عمود خیمه‌ی دین

- ۱۵- احیای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان واجبی که زمینه ساز اقامه‌ی سایر واجبات است.
- ۱۶- پیدا کردن الگوهای مناسب برای اصلاح در فکر و رفتار فرد و جامعه و آراستگی به خصلت‌های نیکو
- ۱۷- برخورداری از آثار دنیوی و اخروی و معنوی اشک و گریه در مصائب معصومین خصوصاً حضرت حسین «علیهم السلام» و پیدا کردن قابلیت برای برخورداری از شفاعت آنها
- ۱۸- توسل به ساحت مقدس اولیای عظیم الشان الهی برای رفع مشکلات معنوی و اخروی و دنیوی
- ۱۹- پیدا کردن روحیه‌ی ایثار و شهادت طلبی و ظلم ستیزی، و احیای خط خون و شهادت و شناسایی حیات و مرگ واقعی
- ۲۰- نمایش و مانور قدرت معنوی و سیاسی جامعه‌ی شیعی و تأکید بر تداوم راه اولیای عظیم الشان آن «صلوات الله علیهم»
- ۲۱- تقویت غیرت دینی بین سطوح مختلف جامعه و دفاع همه جانبه از دین و شریعت و حدود آن
- ۲۲- بالا بردن سطح صبر و تحمل و استقامت فرد و جامعه در برابر سختی‌ها و مشکلات

- ۲۳- برقراری آمیختگی و پیوند بین شور و شعور، عقل و عشق و برهان و عاطفه
- ۲۴- مشارکت اجتماعی برای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی و تشویق به خیرات و مبرات و تأسیس بنگاه‌های خیریه؛ حوزه‌ها و مدارس علمیه؛ مراکز آموزشی؛ کتابخانه‌ها؛ سقاخانه‌ها و آب انبارها و غیره و ترویج و نهادینه کردن فرهنگ وقف در جامعه و مدیریت نذورات مردمی
- ۲۵- سازماندهی فعالیت‌های سیاسی امت بر محور امامت و ولایت، و سازنده‌ی نهضت‌ها و قیام‌ها نظیر قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷
- ۲۶- ایجاد یک پارچگی و آمادگی دفاعی در برابر تهاجم فرهنگی و نظامی بیگانگان
- ۲۷- طرف داری از ستم دیده و واکنش در برابر ظلم ظالمان و اعلام بیزاری از ستمگران و افشای ماهیت واقعی آنان در طول تاریخ
- ۲۸- انتقال پیام‌ها و ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر و سوق دادن جامعه به سمت آنها
- ۲۹- اعلام وابستگی به جبهه‌ی حق و بیزاری از جبهه‌ی باطل
- ۳۰- سربازگیری برای دفاع از جبهه‌ی حق و حاکم ساختن آن

۳۱- از بین بردن بدعت‌ها و کج روی‌ها

۳۲- عبرت‌آموزی از حوادث گذشته

۳۳- آزادسازی اراده‌ی ملت‌ها از محکومیت زور و

سلطه‌ی استبدادی

۳۴- تعظیم شعائر الهی

۳۵- دشمن‌شناسی و پیدا کردن بصیرت و آشنایی با

شاخص‌های تمیز حق از باطل.

۳۶- زمینه‌سازی برای شکوفایی خلاقیت‌های هنری در

جهت تقویت فرهنگ شیعی، خصوصاً حماسه‌ی عاشورا

۳۷- پی بردن به نقش و جایگاه و وظایف حقیقی زنان

و مادران در اسلام، خصوصاً شیرزنانی که با تاسی به زنان

نمونه‌ی صدر اسلام و پیروی از آموزه‌های دینی، در دامن

خود شیرمردانی را تربیت کردند که برای دفاع از ارزش‌ها

و آرمان‌ها و امامت و ولایت و استمرار آن که همان

ولایت مطلقه‌ی فقیه می‌باشد، جلوه‌های اعجاب‌آوری از

حماسه و مقاومت و ایثار را در طول تاریخ به تصویر

کشیدند و صحنه‌های مبهوت‌کننده‌ای را از شهادت‌طلبی

خلق نمودند که برای تمامی گروه‌های مقاومت در سرتاسر

دنیا ذخیره و الگو شدند.

## بایدهای مجالس عزاداری در کلام رهبری

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای «مدظله» با اشراف و احاطه‌ای که به نیازهای جهان اسلام و توطئه‌های پیچیده‌ی دشمنان دین و انقلاب دارند بر ضرورت اقامه و حضور در مجالس عزاداری با محوریت روحانیت تأکید کرده و کارکرد محافل مذهبی و بایدهای آن را متذکر شده و فرمودند:

«این نعمت عظیم، دلها را به منبع جوشش ایمان اسلامی متصل می‌کند. کاری می‌کند که در طول تاریخ کرد و ستمگران حاکم، از عاشورا ترسیدند و از وجود قبر نورانی امام حسین «علیه السلام» واهمه داشتند. ترس از حادثه‌ی عاشورا و شهادت آن از زمان خلفای بنی امیه شروع شده و تا زمان ما ادامه یافته است و شما یک نمونه اش را در دوران انقلاب خودمان دیدید. در گزارش‌های برجا مانده از آن رژیم منحوس اشارت‌ها بلکه صراحت‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد آنها با فرا رسیدن محرم، دست و پایشان را حسابی گم می‌کردند. این یک نمونه از جلوه‌های نعمت ماه محرم و مجالس ذکر و یاد امام حسین «علیه السلام» است که شما دیدید. لذا هم مردم و هم روحانیون

باید از این نعمت استفاده کنند. استفاده‌ی مردم این است که به مجالس عزاداری سیدالشهدا «علیه السلام» دل ببندند و این مجالس را- در سطوح مختلف- هر چه می‌توانند بیشتر اقامه کنند. مردم باید مخلصانه و برای استفاده در مجالس عزاداری حسینی شرکت کنند، نه برای وقت گذراندن یا به صورت عامیانه ای فقط به عنوان ثواب اخروی. مسلماً شرکت در مجالس مذکور، ثواب اخروی دارد، اما ثواب اخروی مجالس عزا از چه ناحیه و به چه جهت است؟! مسلماً مربوط به جهتی است که اگر آن جهت نباشد ثواب هم نیست؛ بعضی از مردم متوجه این نکته نیستند.

همه باید در این مجالس شرکت کنند؛ قدر مجالس عزاداری را بدانند؛ از این مجالس استفاده کنند و روحاً و قلباً این مجالس را وسیله ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هر چه محکم تر میان خودشان و حسین بن علی [و] خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند. این از وظایفی که در این خصوص مربوط به مردم است.

و اما در ارتباط با وظایف روحانیون، مساله دشوارتر است؛ چون قوام مجالس عزا به این است که عده ای دور هم جمع شوند و یک فرد روحانی با حضور یافتن در

میان آن‌ها اقامه‌ی عزا کند تا دیگران از اقامه‌ی عزا او مستفید شوند. یک روحانی چگونه اقامه‌ی عزا خواهد کرد؟ این سؤال من از همه کسانی است که نسبت به چنین قضیه ای احساس مسؤولیت می‌کنند. به اعتقاد بنده، مجالس عزاداری حسینی باید از سه ویژگی برخوردار باشد:

۱. چنین مجالسی باید محبت به اهل بیت را زیاد کند. چون رابطه‌ی عاطفی، یک رابطه‌ی بسیار ذی قیمت است. شما روحانیون باید کاری کنید که محبت شرکت کنندگان در مجالس مذکور روز به روز نسبت به حسین «علیه السلام» بیشتر شود. اگر شما خدای ناکرده در مجالس مذکور وضعی را به وجود آورید که مستمع یا فرد بیرون از آن فضا از لحاظ عاطفی به اهل بیت نزدیک نشد، بلکه احساس دوری و بیزاری کرد، نه فقط چنین مجالسی فاقد یکی از بزرگترین فواید خود شده، بلکه به یک معنا مضر هم بوده است.

حال شما که مؤسس یا گوینده‌ی چنین مجالسی هستید، ببینید چه کاری می‌توانید بکنید که عواطف مردم بر اثر حضور در این مجالس نسبت به حسین بن علی روزبه روز بیشتر شود.

۲. باید در این مجالس، معرفت مردم نسبت به اصل

حادثه‌ی عاشورا روشن‌تر و واضح‌تر گردد. این طور نباشد که ما در مجلس حسین بن علی به منبر برویم یا سخنرانی کنیم، اما حضار آن مجلس - به این فکر فرو بروند که ما به این مجلس آمدیم و گریه‌ای هم کردیم، اما برای چه؟ قضیه چه بود؟ چرا باید برای امام حسین گریه کرد؟ اصلاً چرا امام حسین به کربلا آمد و عاشورا را به وجود آورد؟ بنابراین به عنوان منبری یا سخنران باید به موضوعاتی پردازید که جواب‌گوی چنین سؤالاتی باشد. باید نسبت به اصل حادثه‌ی عاشورا معرفتی در افراد به وجود آید.

۳. سومین ویژگی لازم در این مجالس، افزایش ایمان و معرفت دینی در مردم است. در چنین مجالسی باید از دین نکاتی عنوان شود که موجب ایمان و معرفت بیشتر در مستمع و مخاطب گردد؛ یعنی سخنرانان و منبری‌ها یک موعظه‌ی درست؛ یک حدیث صحیح؛ بخشی از تاریخ آموزنده‌ی درست؛ تفسیر آیه‌ای از قرآن یا مطلبی از یک عالم و دانشمند بزرگ اسلامی را در بیانات خود بگنجانند و به سمع شرکت کنندگان در این مجالس برسانند. این طور نباشد که وقتی بالای منبر می‌رویم یک مقدار لفاظی کنیم و حرف بزنیم و اگر احیاناً مطلبی هم ذکر می‌کنیم مطلب سستی باشد که نه فقط ایمان‌ها را زیاد نمی‌کند، بلکه به تضعیف ایمان

مستمعین می‌پردازد. اگر این طور هم شد ما از جلسات مذکور به فواید و مقاصد مورد نظر نرسیده‌ایم.

متأسفانه باید عرض کنم که گاهی چنین مواردی دیده می‌شود؛ یعنی بعضاً گوینده‌ای در یک مجلس به نقل مطلبی می‌پردازد که هم از لحاظ استدلال و پایه‌ی مدرک عقلی یا نقلی سست است و هم از لحاظ تأثیر در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطق و استدلال، ویرانگر است. مثلاً در یک کتاب، بعضی مطالب نوشته شده است که دلیلی بر کذب و دروغ بودن آن‌ها نداریم، ممکن است راست باشد، ممکن است دروغ باشد. اگر شما آن مطالب را بیان کنید ولو مسلم نیست که خلاف واقع باشد - و با شنیدن آن‌ها برای مستمعان که جوان دانشجوی یا محصل یا رزمنده و یا انقلابی است - نسبت به دین، سؤال و مسأله ایجاد می‌شود و اشکال و عقده به وجود می‌آید، نباید آن مطالب را بگویید، حتی اگر سند درست هم داشت، چون موجب گمراهی و انحراف است، نباید نقل کنید، چه رسد به این که اغلب این مطالب مندرج در بعضی کتاب‌ها، سند درستی هم ندارد. یک نفر از زبان دیگری مطلبی را مبنی بر این می‌شنود که من در فلان سفر، فلان جا بودم که فلان اتفاق افتاد، گوینده از روی مدرک یا بدون مدرک چنان مطلبی را می‌گوید،



شنونده هم آن را باور می‌کند و در کتابی می‌نویسد و این کتاب به دست من و شما می‌رسد. من و شما چرا باید آن مطلب را که نمی‌تواند در یک مجمع بزرگ برای ذهن‌های مستبصر و هوشیار و آگاه توجیه شود باز گو کنیم؟! مگر هر مطلبی را هر جا نوشتند انسان باید بخواند و باز گو کند!

امروز عموم جوانان کشور- از دختر و پسر گرفته تا زن و مرد و حتی غیر جوانان- ذهنشان باز است. اگر دیروز- قبل از انقلاب- جوانان دانشجو از این ویژگی برخوردار بودند، امروز مخصوص آن‌ها نیست و همه‌ی مسائل را با چشم بصیرت و با استبصار نگاه می‌کنند و می‌خواهند بفهمند. یک بخش مهم از حادثه‌ی فرهنگی در جامعه امروز ما این است که این‌ها در معرض شبهات قرار می‌گیرند، یعنی دشمنان شبهه القا می‌کنند. دشمنان هم نه، منکرین فکر من و شما به القای شبهه می‌پردازند؛ مهم این است که مطلبی که شما می‌گویید، بر طرف کننده‌ی شبهه باشد و آن را زیاد نکند.

بعضی از افراد بدون توجه به این مسئولیت مهم به بالای منبر می‌روند و حرفی می‌زنند که نه فقط گره ای از ذهن مستمع باز نمی‌کند، که گره‌هایی هم به ذهن او می‌افزاید. اگر چنین اتفاقی افتاد و ما در بالای منبر حرفی زدیم که ده

نفر جوان یا حتی یک نفر جوان در امر دین دچار تردید شد و بعد از پای سخنرانی ما برخاست و رفت و ما هم او را نشناختیم، بعداً چگونه می‌شود جبران کرد؟! آیا اصلاً قابل جبران است؟! آیا خدا از ما خواهد گذشت؟! قضیه مشکل است.

نمی‌گوییم همه‌ی منبرها باید برخوردار از همه‌ی این خصوصیات باشند و به همه‌ی موضوعات پردازند؛ نه، شما اگر یک حدیث صحیح از کتابی معتبر را نقل و همان را معنا کنید کفایت می‌کند. برخی منبری‌ها بعضی اوقات یک حدیث را آن قدر شاخ و برگ می‌دهند که معنای اصلی‌اش از بین می‌رود. اگر شما یک حدیث صحیح را برای مستمع خود درست معنا کنید، ممکن است بخش مهمی از آن‌چه را که ما می‌خواهیم، داشته باشد. اگر برای ذکر مصیبت، کتاب «نفس المهموم» مرحوم محدث قمی را باز کنید و از رو بخوانید، برای مستمع گریه آور است و همان عواطف جوشان را به وجود می‌آورد، چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان برای مجلس آرای، کاری بکنیم که اصل مجلس عزا از فلسفه‌ی واقعی‌اش دور بماند!

من واقعاً می‌ترسم از این که خدای ناکرده در این دوران که دوران ظهور اسلام، بروز اسلام؛ تجلی اسلام و

تجلی فکر اهل بیت است، نتوانیم وظیفه مان را انجام دهیم. برخی کارهاست که پرداختن به آنها مردم را به خدا و دین نزدیک می‌کند. یکی از آن کارها همین عزاداری‌های سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می‌شود. این که امام فرمودند: «عزاداری سنتی بکنید» به خاطر همین تقریب است. در مجالس عزاداری، نشستن؛ روضه خواندن؛ گریه کردن؛ به سر و سینه زدن و مواكب عزا و دسته‌های عزاداری به راه انداختن از اموری است که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر پرجوش می‌کند و بسیار خوب است. در مقابل، برخی کارها هم هست که پرداختن به آنها کسانی را از دین بر می‌گرداند.

بنده خیلی متأسفم که بگویم در این سه چهار سال اخیر برخی کارها در ارتباط با مراسم عزاداری ماه محرم دیده شده است که دست‌هایی به غلط آن را در جامعه‌ی ما ترویج کرده‌اند، کارهایی را باب می‌کنند و رواج می‌دهند که هر کس ناظر آن باشد. برایش سؤال به وجود می‌آید.<sup>۱</sup>

### تأکید امام خمینی بر عزاداری سنتی

آنچه مورد تأکید و سفارش مراجع دینی و عالمان و اندیشمندان آگاه می‌باشد، تلاش در جهت تقویت و احیای هرچه باشکوه‌تر عزاداری سنتی است که خنثی‌کننده‌ی نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان بوده و حافظ اسلام و انقلاب و ارزش‌ها می‌باشد.

حضرت امام خمینی «قدس سره» عزاداری سنتی را مورد تشویق و تأکید قرار داده و می‌فرماید «ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا؛ در محرم و صفر؛ در مواقع مقتضی به راه می‌افتند، تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند. زنده نگهداشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش، از طرف روحانیون؛ از طرف خطبا؛ با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم؛ دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتاد باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید»<sup>۱</sup>.

۱- فرمایشات رهبری در تاریخ ۱۳۷۳/۳/۱۷.

## نکته‌ی پایانی

برای ژرف پیمایی در این اقیانوس کران ناپیدا و دست‌یابی به چنین گوهرهای ناب و بی‌بدیلی باید تمامی عناصر اربعه‌ی هیئت‌ها و مجالس مذهبی که عبارتند از روحانی و مداح و مجریان و مستمعین، دست به دست هم داده و با شناخت کافی و مناسب و با محوریت عالمان آگاه دینی و حداکثر استفاده و بهره‌برداری از توانایی‌های نرم‌افزاری، هیئات و مجالس عزاداری را از آسیب‌ها و آفات تخلیه کرده و به فضائل و خوبی‌ها تخلیه نمایند. در پایان برای تیمن و تبرک، فرمایشی از حضرت رحمة للعالمین «صلی الله علیه و آله» خطاب به فرزندش حضرت فاطمه‌ی زهرا «سلام الله علیها» نقل می‌گردد تا به مسئولیت خود نسبت به اقامه‌ی عزای حسینی بیشتر واقف شویم:

«هنگامی که پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله» فاطمه‌ی اطهر «سلام الله علیها» را از شهادت فرزندش حسین و مصائبی که آن حضرت دچار می‌شود آگاه نمود، آن بانو گریه‌ی شدیدی کرد و گفت: پدر جان! یک چنین مصائبی در چه موقع رخ می‌دهد؟ حضرت فرمود در آن زمانی که

من و تو و علی در دنیا نباشیم! گریه‌ی حضرت زهرا شدیدتر شد و گفت: پدر جان! پس چه کسی برای حسینم گریه خواهد کرد و چه کسی متصدی عزاداری وی خواهد شد؟!<sup>۱</sup>

رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود: ای فاطمه! زنان امت من بر زنان اهل بیت و مردان ایشان بر مردان اهل بیت من گریه خواهند کرد. همه ساله گروهی پس از گروه دیگر، عزاداری را تجدید می‌نمایند. هنگامی که روز قیامت فرا رسد، تو زنان امت من را شفاعت می‌کنی و من مردان آنان را شفاعت خواهم کرد. هر کسی از ایشان که در مصیبت حسین گریه کند، ما دست او را می‌گیریم و داخل بهشت می‌نماییم.

ای فاطمه! هر چشمی فردای قیامت گریان است، غیر از چشمی که در مصیبت حسین گریه کند، زیرا صاحب آن چشم، خندان و مژده‌ی نعمت‌های بهشت به وی داده خواهد شد.<sup>۱</sup>

امید است همه‌ی ما مشمول دعای مستجاب حضرت صادق «علیه السلام» که فرمود: «رَحِمَ اللهُ مَنْ أَحْيَى أَمْرَنَا»<sup>۲</sup>

۱- بحارالانوار؛ ج ۴۴ ص ۲۹۲

۲- وسایل الشیعه؛ ج ۱۲ ص ۲۰.

شده و در لحظات سخت مرگ، کام سوخته و تفیده‌ی ما با لبخند رحمت و لطف و رضایت اهل بیت پیامبر خصوصاً حضرت سید الشهداء «علیهم السلام» شیرین و سرشار گردد.

اللهم زد فی توفیقات الموفقین و وفقنا ببرکة دعائهم

واحد فرهنگی پژوهشی هیئت ره پویان آل طه (ع)

۱۳۸۸/۷/۲۲ هـ ش

مصادف با ۲۵ شوال ۱۴۳۰ هـ ق

سالروز شهادت

حضرت امام جعفرین محمد الصادق «علیهما السلام»

### کتابنامه

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اقبال الاعمال؛ سید بن طاووس؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۶۷ هـ ش
- ۳- المیزان؛ علامه‌ی طباطبایی؛ انتشارات جامعه مدرسین؛ ۱۴۱۷ هـ ق
- ۴- بحار الانوار؛ علامه‌ی مجلسی؛ چاپ مؤسسه‌ی الوفاء بیروت- لبنان- ۱۴۰۴ هـ ق
- ۵- تحف العقول؛ حسن بن شعبه‌ی حرانی، انتشارات جامعه مدرسین قم؛ ۱۴۰۴ هـ ق
- ۶- ترجمه‌ی تفسیر المیزان؛ علامه‌ی طباطبایی؛ ترجمه‌ی موسوی همدانی؛ انتشارات جامعه مدرسین؛ ۱۳۷۴ هـ ش
- ۷- تهاجم فرهنگی؛ آیت الله محمد تقی مصباح یزدی؛ انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ ۱۳۷۶ هـ ش

- ۸- حماسه‌ی حسینی؛ آیت الله مرتضی مطهری؛ انتشارات صدرا، ۱۳۶۴ ه.ش.
- ۹- خاطرات همفر؛ انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی؛ شماره‌ی ۷۳۸۸
- ۱۱- سیری در سیره‌ی نبوی؛ آیت الله مرتضی مطهری؛ انتشارات صدرا.
- ۱۲- شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی؛ آیت الله جوادی آملی؛ مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۱۳- صحیفه‌ی نور؛ امام خمینی.
- ۱۴- کافی؛ ثقة الاسلام کلینی؛ چاپ دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵ ه.ش
- ۱۵- کامل الزیارات؛ ابن قولویه قمی، انتشارات مرتضویه؛ ۱۳۵۶ ه.ق
- ۱۶- کشف الاسرار؛ امام خمینی؛ انتشارات دین و دانش
- ۱۷- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ه.ش
- ۱۸- لهوف؛ سید بن طاووس، انتشارات جمال، ۱۳۲۸ ه.ش
- ۱۹- مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية؛ امام خمینی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ ه.ش

- ۲۰- مکارم الاخلاق؛ رضی الدین حسن بن فضل طبرسی؛ انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه.ق
- ۲۱- مناقب آل ابی طالب «علیه السلام»؛ محمد بن شهر آشوب، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ه.ق
- ۲۲- منتهی الآمال؛ شیخ عباس قمی؛ انتشارات هجرت، ۱۳۸۲ ه.ش
- ۲۳- من لایحضره الفقیه؛ شیخ صدوق؛ انتشارات جامعه مدرسین؛ ۱۴۱۳ ه.ق
- ۲۴- نشریه‌ی پرتوی سخن؛ شماره ۲۴۳
- ۲۵- نهج البلاغه؛ ترجمه‌ی دشتی، انتشارات مشهور؛ ۱۳۷۹ ه.ش
- ۲۶- وسایل الشیعة؛ شیخ حر عاملی؛ مؤسسه آل البيت؛ ۱۴۰۹ ه.ق